

فی البدء کان الکلمة

¹ فِي الْبَدْءِ كَانَ الْكَلِمَةُ وَالْكَلِمَةُ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَكَانَ الْكَلِمَةُ اللَّهُ. ² هَذَا كَانَ فِي الْبَدْءِ عِنْدَ اللَّهِ. كُلُّ شَيْءٍ بِهِ كَانَ وَبِغَيْرِهِ لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ مِمَّا كَانَ. ⁴ فِيهِ كَانَتْ الْحَيَاةُ وَالْحَيَاةُ كَانَتْ نُورَ النَّاسِ. ⁵ وَالنُّورُ يُضِيءُ فِي الظُّلْمَةِ وَالظُّلْمَةُ لَمْ تُدْرِكْهُ.

الکلمة نور العالم

⁶ كَانَ إِنْسَانٌ مُرْسَلٌ مِنَ اللَّهِ اسْمُهُ يُوحَنَّا. ⁷ هَذَا جَاءَ لِلشَّهَادَةِ لِيَشْهَدَ لِلنُّورِ لِكَيْ يُؤْمِنَ الْكُلُّ بِوَأَسَاطِيهِ. ⁸ لَمْ يَكُنْ هُوَ النُّورَ بَلْ لِيَشْهَدَ لِلنُّورِ. ⁹ كَانَ النُّورُ الْحَقِيقِيُّ الَّذِي يُبَيِّرُ كُلَّ إِنْسَانٍ آتِيًا إِلَى الْعَالَمِ. ¹⁰ كَانَ فِي الْعَالَمِ وَكَوَّنَ الْعَالَمُ بِهِ وَلَمْ يَعْرِفْهُ الْعَالَمُ. ¹¹ إِلَى خَاصَّتِهِ جَاءَ وَخَاصَّتُهُ لَمْ تَقْبَلْهُ. ¹² وَأَمَّا كُلُّ الَّذِينَ قَبِلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ سُلْطَانًا أَنْ يَصِيرُوا أَوْلَادَ اللَّهِ، أَيِ الْمُؤْمِنُونَ بِاسْمِهِ. ¹³ الَّذِينَ وُلِدُوا لَيْسَ مِنْ دَمٍ وَلَا مِنْ مَشِيئَةِ جَسَدٍ وَلَا مِنْ مَشِيئَةِ رَجُلٍ بَلْ مِنَ اللَّهِ.

الکلمة صار جسدا

¹⁴ وَالْكَلِمَةُ صَارَ جَسَدًا وَخَلَّ بَيْنَنَا وَرَأَيْنَا مَجْدَهُ، مَجْدًا كَمَا لَوْجِدُ مِنَ الْآبِ، مَمْلُوءًا نِعْمَةً وَحَقًّا. ¹⁵ يُوحَنَّا شَهِدَ لَهُ وَتَادَى قَائِلًا: هَذَا هُوَ الَّذِي قُلْتُ عَنْهُ: إِنَّ الَّذِي يَأْتِي بَعْدِي صَارَ قُدَّامِي لِأَنَّهُ كَانَ قَبْلِي. ¹⁶ وَمِنْ مِلَّتِهِ تَحْنُ جَمِيعًا أَحَدُنَا وَنِعْمَةً فَوْقَ نِعْمَةٍ. ¹⁷ لَأَنَّ النَّامُوسَ بِمُوسَى أُعْطِيَ، أَمَّا النِّعْمَةُ وَالْحَقُّ فَبِئْسَيُوعَ الْمَسِيحِ صَارَا. ¹⁸ اللَّهُ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ قَطُّ، أَلَا ابْنُ الْوَحِيدِ الَّذِي هُوَ فِي حِضْنِ الْآبِ هُوَ حَبَّرَ.

شهادة يوحنا المعمدان عن ذاته

¹⁹ وَهَذِهِ هِيَ شَهَادَةُ يُوحَنَّا حِينَ أَرْسَلَ الْيَهُودُ مِنْ أُورُشَلِيمَ كَهَنَةً وَلَاوِيِّينَ لِيَسْأَلُوهُ: مَنْ أَنْتَ؟ ²⁰ فَأَعْتَرَفَ وَلَمْ يُنْكِرْ وَأَقَرَّ: أَنِّي لَسْتُ أَنَا الْمَسِيحُ. ²¹ فَسَأَلُوهُ: إِذَا مَاذَا؟ إِيْلَيَّا أَنْتَ؟ فَقَالَ: لَسْتُ أَنَا. أَلَيْسَ أَنْتَ؟ فَأَجَابَ: لَا. ²² فَقَالُوا لَهُ: مَنْ أَنْتَ؟ لِنُعْطِيَ جَوَابًا لِلَّذِينَ أَرْسَلُونَا، مَاذَا تَقُولُ عَنْ نَفْسِكَ؟ ²³ قَالَ: "أَنَا صَوْتُ صَارِخٍ فِي الْبَرِّيَّةِ: قَوْمُوا طَرِيقَ الرَّبِّ"، كَمَا قَالَ إِشَعْيَاءُ النَّبِيُّ. ²⁴ وَكَانَ الْمُرْسَلُونَ مِنَ الْقَرَسِيِّينَ. ²⁵ فَسَأَلُوهُ: فَمَا بَالُكَ تُعَمِّدُ إِنْ كُنْتَ لَسْتَ الْمَسِيحَ وَلَا إِيْلَيَّا وَلَا النَّبِيَّ؟ ²⁶ أَجَابَهُمْ يُوحَنَّا قَائِلًا: أَنَا أَعْمَدُ بِمَاءٍ، وَلَكِنْ فِي وَسْطِكُمْ قَائِمٌ الَّذِي لَسْتُمْ تَعْرِفُونَهُ، ²⁷ هُوَ الَّذِي يَأْتِي بَعْدِي الَّذِي صَارَ قُدَّامِي الَّذِي لَسْتُ بِمُسْتَحِقٍّ أَنْ أُحْلَ سُبُورَ جِدَائِهِ. ²⁸ هَذَا كَانَ فِي بَيْتِ عَبْرَةٍ فِي عَبْرِ الْأُرْدُنِّ

کلمه حیات

¹ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. ² همان در ابتدا نزد خدا بود. ³ همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. ⁴ در او حیات بود و حیات نور انسان بود. ⁵ و نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را در نیافت.

کلمه جسم گردید

⁶ شخصی از جانب خدا فرستاده شد که اسمش یحیی بود. ⁷ او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا همه به وسیله او ایمان آورند. ⁸ او آن نور نبود بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد. آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می گرداند و در جهان آمدنی بود. ¹⁰ او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را نشناخت. ¹¹ به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند. ¹² و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، ¹³ که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند. ¹⁴ و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.

¹⁵ و یحیی بر او شهادت داد و ندا کرده، می گفت: این است آنکه درباره او گفتم آنکه بعد از من می آید، پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود. ¹⁶ و از پُری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض، ¹⁷ زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید. ¹⁸ خدا را هرگز کسی ندیده است؛ پسر یگانه ای که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد.

شهادت یحیی تعمیددهنده

¹⁹ و این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم کاهنان و لاویان را فرستادند تا از او سؤال کنند که: تو کیستی؟ ²⁰ که معترف شد و انکار ننمود، بلکه اقرار کرد که: من مسیح نیستم. ²¹ آنگاه از او سؤال کردند: پس چه؟ آیا تو یاس هستی؟ گفت: نیستم. آیا تو آن نبی هستی؟ جواب داد که: نه. ²² آنگاه بدو گفتند: پس کیستی تا به آن کسانی که ما را فرستادند جواب بريم؟ درباره خود چه

حَيْثُ كَانَ يُوحَنَّا يَعْمَدُ.

شهادة يوحنا المعمدان عن يسوع

²⁹ وَفِي الْعَدِ تَطَرَّ يُوحَنَّا يَسُوعَ مُقْبِلًا إِلَيْهِ فَقَالَ: هُوَذَا حَمَلٌ لِلَّهِ الَّذِي يَرْفَعُ حَظِيَّةَ الْعَالَمِ. ³⁰ هَذَا هُوَ الَّذِي قُلْتُ عَنْهُ: يَا بَنِي بَعْدِي رَجُلٌ صَارَ قُدَّامِي، لِأَنَّهُ كَانَ قَبْلِي. ³¹ وَأَنَا لَمْ أَكُنْ أَعْرِفُهُ، لَكِنْ لِيُظْهَرَ لِإِسْرَائِيلَ لِدَلِكِ جَنُثُ أَعْمَدُ بِالْمَاءِ. ³² وَشَهِدَ يُوحَنَّا قَائِلًا: إِنِّي قَدْ رَأَيْتُ الرُّوحَ تَازِلًا مِثْلَ خِمَامَةٍ مِنَ السَّمَاءِ فَاسْتَقَرَّ عَلَيْهِ. ³³ وَأَنَا لَمْ أَكُنْ أَعْرِفُهُ، لَكِنَّ الَّذِي أَرْسَلَنِي لِأَعْمَدَ بِالْمَاءِ ذَاكَ قَالَ لِي: الَّذِي تَرَى الرُّوحَ تَازِلًا وَمُسْتَقِرًّا عَلَيْهِ فَهَذَا هُوَ الَّذِي يُعْمَدُ بِالرُّوحِ الْقُدُسِ. ³⁴ وَأَنَا قَدْ رَأَيْتُ وَشَهِدْتُ أَنَّ هَذَا هُوَ ابْنُ اللَّهِ.

³⁵ وَفِي الْعَدِ أَبْصَأَ كَانَ يُوحَنَّا وَافِقًا هُوَ وَاشْتَانِ مِنْ تَلَامِيذِهِ. ³⁶ فَتَطَرَّ إِلَى يَسُوعَ مَاثِيًا فَقَالَ: هُوَذَا حَمَلٌ لِلَّهِ. ³⁷ فَسَمِعَهُ التَّلَامِيذَانِ يَتَكَلَّمُ فَنَبَعَا يَسُوعَ. ³⁸ فَالْتَقَتَ يَسُوعَ وَنَظَرَهُمَا يَتَبَعَانِ فَقَالَ لَهُمَا: مَاذَا تَطْلُبَانِ؟ فَقَالَا: رَبِّي، الَّذِي تُفْسِرُهُ: يَا مُعَلِّمُ، أَيْنَ تَمْكُتُ؟ ³⁹ فَقَالَ لَهُمَا: تَعَالَيَا وَانْظُرَا، قَاتِيَا وَنَظَرَا أَيْنَ كَانَ يَمْكُتُ وَمَكْنَا عِنْدَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَكَانَ تَحَوَّ السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ. ⁴⁰ كَانَ أَنْدَرَاؤُسُ، أَخُو سِمْعَانَ بَطْرُسَ، وَاجِدًا مِنَ الْإِثْنَيْنِ اللَّذَيْنِ سَمِعَا يُوحَنَّا وَيَتَّبَعَاهُ. ⁴¹ هَذَا وَجَدَ أَوَّلًا أَخَاهُ سِمْعَانَ فَقَالَ لَهُ: قَدْ وَجَدْنَا مَسِيحًا، الَّذِي تُفْسِرُهُ: الْمَسِيحُ. ⁴² فَجَاءَ بِهِ إِلَى يَسُوعَ، فَتَطَرَّ إِلَيْهِ يَسُوعَ وَقَالَ: أَنْتَ سِمْعَانُ بَنُ يُونَا. أَنْتَ تُدْعَى صَفَا، الَّذِي تُفْسِرُهُ: بَطْرُسُ.

⁴³ فِي الْعَدِ أَرَادَ يَسُوعُ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْجَلِيلِ، فَوَجَدَ فِيلِبُّسَ فَقَالَ لَهُ: اتَّبِعْنِي. ⁴⁴ وَكَانَ فِيلِبُّسُ مِنْ بَيْتِ صَيْدَا، مِنْ مَدِينَةِ أَنْدَرَاؤُسَ وَبَطْرُسَ. ⁴⁵ فِيلِبُّسُ وَجَدَ تَتَائِيلَ وَقَالَ لَهُ: وَجَدْنَا الَّذِي كَتَبَ عَنْهُ مُوسَى فِي التَّامُوسِ وَالْأَنْبِيَاءِ، يَسُوعَ ابْنَ يُوسُفَ، الَّذِي مِنَ النَّاصِرَةِ. ⁴⁶ فَقَالَ لَهُ تَتَائِيلُ: أَمِنْ النَّاصِرَةِ يُمَكِّنُ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ صَالِحٌ؟ قَالَ لَهُ فِيلِبُّسُ: تَعَالِ وَانْظُرْ.

⁴⁷ وَرَأَى يَسُوعَ تَتَائِيلَ مُقْبِلًا إِلَيْهِ فَقَالَ عَنْهُ: هُوَذَا إِسْرَائِيلِيُّ حَقًّا لَا غِشٍّ فِيهِ. ⁴⁸ قَالَ لَهُ تَتَائِيلُ: مِنْ أَيْنَ تَعْرِفُنِي؟ أَجَابَ يَسُوعَ وَقَالَ لَهُ: قَلِيلٌ أَنْ دَعَاكَ فِيلِبُّسُ، وَأَنْتَ تَحْتَ النَّبِيِّ، رَأَيْتُكَ. ⁴⁹ أَجَابَ تَتَائِيلُ وَقَالَ لَهُ: يَا مُعَلِّمُ، أَنْتَ ابْنُ اللَّهِ، أَنْتَ مَلِكُ إِسْرَائِيلَ. ⁵⁰ أَجَابَ يَسُوعَ وَقَالَ لَهُ: هَلْ آمَنْتَ لَأَنِّي رَأَيْتُكَ تَحْتَ النَّبِيِّ؟ سَوْفَ تَرَى أَعْظَمَ مِنْ هَذَا. ⁵¹ وَقَالَ لَهُ: الْحَقُّ،

می‌گویی؟ ²³ گفت: من صدای ندا کننده‌ای در بیابانم که راه خداوند را راست کنید، چنانکه اشعیا نبی گفت. ²⁴ و فرستادگان از فریسیان بودند. ²⁵ پس از او سؤال کرده، گفتند: اگر تو مسیح و الیاس و آن نبی نیستی، پس برای چه تعمید می‌دهی؟ ²⁶ یحیی در جواب ایشان گفت: من به آب تعمید می‌دهم و در میان شما کسی ایستاده است که شما او را نمی‌شناسید. ²⁷ و او آن است که بعد از من می‌آید، اما پیش از من شده است، که من لایق آن نیستم که بند نعلینش را باز کنم. ²⁸ و این در بیت‌عبره که آن طرف اُزْدُن است، در جایی که یحیی تعمید می‌داد واقع گشت.

²⁹ و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می‌آید. پس گفت: اینک، بَرّه خدا که گناه جهان را برمی‌دارد! ³⁰ این است آنکه من درباره‌ او گفتم که: مردی بعد از من می‌آید که پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود. ³¹ و من او را نشناختم، لیکن تا او به اسرائیل ظاهر گردد، برای همین من آمده به آب تعمید می‌دادم. ³² پس یحیی شهادت داده، گفت: روح را دیدم که مثل کبوتری از آسمان نازل شده، بر او قرار گرفت. ³³ و من او را نشناختم، لیکن او که مرا فرستاد تا به آب تعمید دهم، همان به من گفت: بر هر کس بینی که روح نازل شده، بر او قرار گرفت، همان است او که به روح القدس تعمید می‌دهد. ³⁴ و من دیده شهادت می‌دهم که این است پسر خدا.

شاگردان عیسی

³⁵ و در روز بعد نیز یحیی با دو نفر از شاگردان خود ایستاده بود. ³⁶ ناگاه عیسی را دید که راه می‌رود؛ و گفت: اینک، بَرّه خدا. ³⁷ و چون آن دو شاگرد کلام او را شنیدند، از پی عیسی روانه شدند. ³⁸ پس عیسی روی گردانیده، آن دو نفر را دید که از عقب می‌آیند. بدیشان گفت: چه می‌خواهید؟ بدو گفتند: ربّی (یعنی ای معلم) در کجا منزل می‌نمایی؟ بدیشان گفت: بیاید و ببینید. آنگاه آمده، دیدند که کجا منزل دارد، و آن روز را نزد او بماندند و قریب به ساعت دهم بود. ⁴⁰ و یکی از آن دو که سخن یحیی را شنیده، پیروی او نمودند، اندریاس برادر شمعون پطرس بود. ⁴¹ او اوّل برادر خود شمعون را یافته، به او گفت: مسیح را، که ترجمه آن گِرسُّس است، یافتیم. ⁴² و چون او را نزد

الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: مِنْ الْآنَ تَرَوْنَ السَّمَاءَ مَفْتُوحَةً
وَمَلَائِكَةَ اللَّهِ يَصْعَدُونَ وَيَنْزِلُونَ عَلَى ابْنِ الْإِنْسَانِ.

عیسی آورد، عیسی بدو نگرسته، گفت: تو شمعون
پسر یونا هستی؛ و اکنون کیفا خوانده خواهی شد، که
ترجمه آن پطرس است.

⁴³ بامدادان چون عیسی خواست به سوی جلیل روانه
شود، فیلیپس را یافته، بدو گفت: از عقب من بیا. ⁴⁴ و
فیلیپس از بیت صیدا از شهر اندریاس و پطرس
بود. ⁴⁵ فیلیپس تنائیل را یافته، بدو گفت: آن کسی را که
موسی در تورات و انبیا مذکور داشته‌اند، یافته‌ایم که
عیسی پسر یوسف ناصری است. ⁴⁶ تنائیل بدو گفت:
مگر می‌شود که از ناصره چیزی خوب پیدا شود؟
فیلیپس بدو گفت: بیا و بین.

⁴⁷ و عیسی چون دید که تنائیل به سوی او می‌آید،
درباره او گفت: اینک، اسرائیلی حقیقی که در او
مکری نیست. ⁴⁸ تنائیل بدو گفت: مرا از کجا
می‌شناسی؟ عیسی در جواب وی گفت: قبل از آنکه
فیلیپس تو را دعوت کند، در چینی که زیر درخت انجیر
بودی، تو را دیدم. ⁴⁹ تنائیل در جواب او گفت: ای
استاد، تو پسر خدایی! تو پادشاه اسرائیل
هستی! ⁵⁰ عیسی در جواب او گفت: آیا از اینکه به تو
گفتم که تو را زیر درخت انجیر دیدم، ایمان آوردی؟
بعد از این چیزهای بزرگتر از این خواهی دید. ⁵¹ پس بدو
گفت: آمین، آمین، به شما می‌گویم که: از کنون
آسمان را گشاده، و فرشتگان خدا را که بر پسر
انسان صعود و نزول می‌کنند خواهید دید.